

## تلاش برای نجات فرزندان؛ تأسیس یک نهاد مردمی

حالا ثریا نه فقط غم خود بلکه غصه دیگران را هم می خورد: «امان از دل شوکت قاسمی، مادر پیمان کردیم. فوت نابهنگام او ضربه روحی سختی به من زد. او همراه شوهرش سالها پشت در اشرف ماند. یک خواسته بیشتر نداشت و آن دیدار با فرزندش بعد از ۲۰ سال فراق بود. او در تمام ساعات شبانه روز، همراه همسرش بالای خاکریزها می نشست و آرام آرام حرف می زد و گریه می کرد. یکبار از او پرسیدم با کی حرف می زنی و گریه می کنی؟ گفت: با پسر من. پدرش خیلی مریض است و می ترسم بلایی سرش بیاید و پیمان را نبیند. پیمان پسر آرام و مظلومی است، او فقط به عشق خوانندگی آمده بود به این خراب شده.»

ثریا عبداللهی در اسفندماه سال ۱۳۹۷، پس از انتقال اعضای مجاهدین خلق از عراق به آلبانی، تشکلی به نام «مادران، قربانیان فراموش شده» را تأسیس کرد. دیدار خانواده ها به خصوص مادران با فرزندان شان در کشور آلبانی، حمایت از افراد رهاشده از فرقه رجوی و بازگشتگان به کشور، درخواست از دولت آلبانی در خصوص همکاری و حمایت از خانواده ها،



درخواست حمایت از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و صلیب سرخ جهانی جهت حمایت از خانواده ها و مادران و درخواست از وزارت خارجه کشورمان جهت پیگیری و حمایت از خانواده های آسیب دیده از فرقه رجوی از جمله خواسته های این تشکل است.

او به عنوان مسئول تشکل «مادران، قربانیان فراموش شده» می گوید: «مادران و پدران دردکشیده، در خشان تر از همیشه اگر چه خسته از فراق هستند اما هرگز از تلاش برای نجات فرزندان و قربانیان آن خون آشامان خیانتکار، خسته نمی شوند و از پای نخواهند نشست تا روزی که تک تک عزیزان خود را نجات دهند و منافقین کوردل با این ننگ و نفرت بمیرند.» خودش می گوید از وقتی این تشکل آغاز به کار کرد دیگر غم خود را فراموش کردیم.



### سرهنگ ثریا؛ مادری شکست ناپذیر

جنایت ها و شگردهای فریبکارانه سازمان منافقین آنطور که ظرفیتش را داشته در سینمای ایران به تصویر کشیده نشده است. گرچه بهروز شعبانی در «سیانور» و محمدحسین مهدویان در «ماجرای نیمروز» در قالب فیلم سینمایی و جلیل سامان در «ارمغان تاریکی» و «نفس» و دیگر فیلمسازان در قالب سریال تلویزیونی، به بخشی از فعالیت های غیرانسانی سازمان منافقین اشاره کرده اند اما بی شک کافی نبوده و نیست. البته نباید از تلاش لیلی عاج در مقام نویسنده و کارگردان برای ساخت فیلم «سرهنگ ثریا» به راحتی گذشت؛ فیلمی که از زاویه های متفاوت زخم این گروهک تروریستی را در قلب و ذهن مخاطب به جا می گذارد. عاج در سرهنگ ثریا بر روایت خانواده های منتظر بیرون از اردوگاه اشرف تمرکز کرده و اطلاعات زیادی از آنچه در داخل اردوگاه می گذرد، نمی دهد و البته به نظر می رسد نیاز بود حال خفقان درون اردوگاه بیشتر به تصویر کشیده شود.

این فیلم در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و در آن ژاله صامتی در نقش ثریا، وحید اقاپور، حمیدرضا محمدی، دیبا زاهدی و شهرزاد آقایی پور ایفای نقش می کنند. تهیه کننده سرهنگ ثریا جلیل شعبانی است که پیش از این فیلم مهم منصور را در کارنامه کاری خود دارد. نام کمال تبریزی در مقام مشاور کارگردان به اهمیت فیلم افزوده است. این فیلم به عنوان محصول سازمان هنری رسانه های اوج، از زاویه های متفاوت به حضور منافقین در پادگان اشرف پرداخته است. روایت رنج خانواده هایی است که بعد از سقوط صدام، به مقر قرارگاه اشرف رفته اند تا فرزندان را که سالهاست ندیده اند ملاقات کنند اما جز درد چیزی نصیبشان نمی شود. ثریا، به یاد شخصیت واقعی ثریا عبداللهی، مادر امیراصلاح حسن زاده، مادری است که طبق شعار فیلم معتقد است این راه با گریه باز نمی شود و سعی دارد با هدایت و رهبری دیگر خانواده ها کاری انجام دهد.

لیلی عاج به سراغ موضوع تلخ و حساسی رفته اما با انتخاب بازیگران و کارگردانی خوب توانسته تا حد زیادی موفق باشد. او در انتخاب لوکیشن مثل صحنه تفتاب دست خود را بسته و بیشتر بر المان های انسانی تمرکز کرده است. فضای خشک و غبار آلود بیابانی به انتقال حس فیلم به مخاطب بسیار کمک می کند. سرهنگ ثریا چند سکانس تأثیرگذار هم دارد. برای مثال سکاسی که خانواده ها برای اعلام موجودیت به ساکنان اردوگاه اشرف، در ظلمات شب، وسط بیابان، با یک ملودی عاشورایی طبل می زنند که یادآور دمام زنی جنوبی هاست. گویی از امام حسین (ع) که سفینه النجاه است، نجات فرزندان شان را می خواهند. در کل به عقیده منتقدان سرهنگ ثریا فیلم شریف و تأثیرگذاری است؛ هم به واسطه موضوع مهمش و هم به واسطه حضور پررنگ یک زن به عنوان شخصیت اصلی.

### پای صحبت های ثریا عبداللهی

مادری که برای آزادی فرزندش منافقان را عاصی کرده



## مادران؛ قربانیان فراموش شده

وقتی فیلم «سرهنگ ثریا» در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر اکران شد خیلی ها کنجکاو شدند تا با شخصیت واقعی این فیلم آشنا شوند. او کسی جز ثریا عبداللهی نبود؛ مادری که بیش از ۲۰ سال در انتظار فرزند در بندش بوده و تمام تلاشش را کرده که نه تنها فرزندش امیراصلاح بلکه بسیاری از هموطنان در بند فرقه رجوی را آزاد کند. مادر امیراصلاح حسن زاده، حالا دیگر یک مادر معمولی نیست؛ شیرزنی است که نامش لرزه به جان سازمان مجاهدین خلق انداخته است و تشکلی به نام «مادران، قربانیان فراموش شده» را تأسیس کرده است. در ادامه زندگی این بانوی غیر تمند را مرور می کنیم.

### زندگی در بیابان های عراق

این تازه شروع ماجرا بود. عبداللهی برای دیدن فرزندش ۴ سال در کنار قرارگاه اشرف زندگی کرد تا خبری از فرزندش بگیرد اما نه تنها موفق نشد بلکه بدرفتاری و توهمین و خشونت منافقین راه به جان خرید. اما ناامید نشد و در گرما و سرمای بیابان های عراق با کمترین امکانات ماند و ایستادگی کرد. او هرگز موفق به ملاقات پسرش نشد اما مسیری را باز کرد تا به همه دنیا پستی و پلیدی این سازمان را نشان دهد و بسیاری را با خانواده های قربانی همراه و همدل کند. این کار او برای سازمان بسیار گران تمام شد تا جایی که آنها فرزندش را مجبور به اعتراف تلویزیونی کردند که علیه مادر خود موضع گیری کند اما این زن رنج دیده هرگز از تهدید، توهمین، تحقیر و سنگ پرائی های فرقه نهراسید، تا شهریور ۹۱ همراه با دیگر خانواده ها در بیابان های خشک عراق پایداری کرد تا صدای او و سایر مادران به گوش اسرای اشرف برسد و فریادهايشان رهایی را به آنان نوید دهد.

عبداللهی در سال ۱۳۹۲ همراه با هیأت ایرانی به ژنو سفری داشت تا صدای خود را به گوش احمد شهید، گزارشگر وقت ویژه حقوق بشر سازمان ملل در ایران و سازمان های مدعی حقوق بشر برساند. او در این سفر پرده از جنایت ها و بدرفتاری های فرقه رجوی برداشت و برای تمام سخنان خود مدرک و سند ارائه داد. این مادر رنج دیده تنها علت حضورش در ژنو و دیدار با گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل را رساندن صدای درد و رنج خود و ستم های روا شده به او از سوی رجوی ها، به گوش نهادهای حقوق بشر دانست.

«امیراصلاح، بهای نام قشنگت؛ عزیز مادر، خاطر هست روزی که می خواستی با قطار به مشهد بروی؟ زنی فال بین در قطار کنارت نشست و گفت پسر من برای تو اتفاقی خواهد افتاد و تو از مادر و خانواده ات خیلی دور می شوی و به دست عده ای خدانشناس و کافر گرفتار خواهی شد. چرا که فال حضرت یوسف برای آمدن آری پسر من ای کاش زبان آن زن لال می شد و این فال را برایت نمی گرفت. امیرجان می دانم تو خود را فدای راحتی مادر و خواهرات کردی، می خواستی بهترین زندگی را برای ما مهیا کنی ولی افسوس، این نمردها و کافرصفان بدترین سرنوشت را برای تو نوشتند.» این گوشه های از مادرانه های عبداللهی با پسرش است. خودش می گوید دعا کنید تا نفس دارم برای این مادران تلاش کنیم تا بلیخند بزنند و چهل سال گریه در دوری فرزندان شان را فراموش نکنند.

### خطاب به رسانه ها

ثریا عبداللهی از رسانه های کشور و خبرنگاران گلابه دارد و می گوید: «برخی خبرنگاران هنوز درک درستی از خانواده های قربانی ندارند و اشتباهات ما را خانواده های اعضای مجاهدین می نامند؛ این در حالی است که فرزندان ما اسیر در زندان های این سازمان هستند. قطعاً مسعود رجوی تمامی خصوصیات یک منافق را به تمام و کمال دارد. اما مقدم ترین قربانیان این نفاق که فریب او را خوردند و زندگی شان به باد رفت اعضای خود این سازمان هستند. قربانیان سازمان تنها کسانی نیستند که ترور شده اند بلکه اعضای خود سازمان هم به نوعی قربانیان این فرقه هستند.»

